

## روژآوا در سازندگی و مقاومت

عباس منصوران

نوشتار روژآوا مروری کوتاه بر مبارزه و شرایط زندگی در سرزمینی است که مردمانش اراده کردند که دیگر ستمپذیر نباشند. آنان سلاح به دست گرفتند زیرا که نمی‌خواستند همانند برده با آنان رفتار شود. از آن اکتبر خونبار سال ۲۰۱۴ کوبانی، که اینک نامش یادآور مقاومت و شکوه است، تنها ۴ سال می‌گذرد. روژآوا آنگونه که می‌نامندش (باختر آفتاب) هنوز خونین با رزمندگان و کارگران و ستمبران‌اش، سر فراز، با دختران و زنان آزاده‌اش در برابر خوفناک‌ترین هیولاهای تاریخ، برای زندگانی پیکار می‌کند. در آن روزان و شبان خون و شکوه، نوشتیم «حتی اگر به خاکسترش نشانند، نام کوبانی در تاریخ به نیکی می‌ماند. دختران و پسران «آدونیس» (۱)، بار دیگر، ایستاده تا اگر مجال یابند، از کشتزارهای کار، زندگی برویاند». اینک در ماه‌های پایان سال ۲۰۱۸ و از آن روزهای حماسی، که کوبانی از وجود داعشیان پاک و زدوده شد و خاک از زنده و مرده‌های پلشت و نفرتناک «چته‌ها» پاک، بار دیگر روژآوا گلوله باران می‌شود. با داعش زدایی، زندگی دوباره زاده شد. با هزینه جان‌های عزیز هزاران رزمنده که جان باختند و یا دست و پا از دست داده هنوز سلاح بردوش، برای نجات هستی و زیست و بوم همه‌گان. اینک که از ویرانه‌های شهر و روستا زندگی رویش گرفته یورش با همان تبهکاران به فرمان اردوغان و دولت تبه‌کارش. تازه با بازسازی‌ها بر خاک خونین، امید و زیبایی آفریده شده و زیتون و انجیر بُنان هنوز زخم‌دار از خمپاره و بمب، شاخسار تکاندند از خاکستر. و سرب و پرندگان بر شاخسارها، آوای شادی سروده که بار دیگر فرات پریشان می‌شود از هجوم دشمن. کمتر از ۵ سال می‌گذرد، از آن روز تا به امروز که سازندگی جاری شده در تیر رس ارتش فاشیست و دولت مذهبی اردوغان اینک بار دیگر پدرخوانده داعش، که اخوان‌المسلمین را در لشکرگاه‌های خود آماده‌باش داده، به روژآوا حمله ور شده است. عفرین در اشغال تبهکاران و «چته‌های» اردوگانی با صدها هزار آواره در دشت و صحرا. اردوغانیسم بی آینده با جبهه‌النصر و

داعشیان گریخته در بحران، سیاسی و اقتصادی، کردستان را بار دیگر آماج گرفته تا به انحراف افکار عمومی، چندی دوام آورد. مردمان کار و زیر ستم مناسبات سرمایه‌داری در این سرزمین، ایستاده به پیمان برای بازیابی هویت انسانی خویش؛ نان و زیتون و قناسه و سنگر را به اشتراک برای ماندن و دفاع به نبردی انقلابی برای زیستی سزاوار انسان و هستی ایستاده‌اند. مردمان این دیار، در برابر تمامی ستمگران از برده داران تا اکنون، از هجوم شاهان آشور و ماد و همه امپراتوران ایران و روم و سپاهیان صدر صحرا، تا پان ترکیست های عثمانی، و اکنون، تا داعش ناب و سپاهیان سفاک خلیفه در ایران خمینیسم و... از خاکستر و خون روپیده اند. «باختر آفتاب» به‌سان خاور رزم؛ اینک سنگر آزاده ای است، ایستاده است برپا. با کوبانی که چهره ی تابناکی است از همه کردستان، همه جا، از سنج و مریوان و سردشت و مهاباد و همه کردستان‌ها و شنگال و آمد و «چپاپاس» در مکزیک و هر آنجا که خودرهایی، پژواک تواند یافت.

بسیاری که تاریخ را روندی مکانیکی و نه در دیالکتیک مبارزه و مناسبات طبقاتی می‌پندارند، بر آن بودند که «حرکت مرد در این وادی خاموش»، با چنین حجتی که قوم بی‌شناسنامه، شناسنامه نمی‌شناسد. به واهی آنان، بی‌نامان، آسمیله و بی‌هویت شده در سوریه نیز، نیم سده زیر پای الیگارش نظامیان به رهبری اسد پدر، قتل عام شده دیگر نیرویی برای خیزش نمی‌یابد. پنداری بیهوده. اما روژآوا و «کوبانی» اش، نشان داد که اسد پسر آن که در خونریزی نشان از پدر دارد، گورکن خویش است و قذافی در انتظارش، در یکی از آبریزگاه‌ها. روند دیالکتیک را می‌توان نیرو و جان بخشید؛ این گردونه را کسی یارای همیشه ایستاندن نیست. مردمانی که بی‌شناسنامه، محروم از حق آموزش و داشتن چیزی به نام خویش، از سایه خویش در هراس، فروخزیده در خوف و فلاکت، چگونه خیزش! کشتار ارتشیان حافظ اسد، «رمیلان» و «گری اسپید» و «تل اسپید» را سرخ گون و قامشلی را همانند «عفرین» و «جزیره» (۲) و «کوبانی» و «سریکانی» و «حسکه» و «تربه اسپید» و «منبج» و... را در خون نشانده بود. گل‌های سور در بهار از آن روی، با نوید آتش نوروز یاد آور شولای خونفام دخترانی است که از خون خویش و خویشان، سرخ جامه‌گان بابک ایستاده بر دژهای ماکو، سرود و

رود می‌ساختند تا هنوز. اینک آوای کوبانی است با پژواک نه تنها در روژآوا، بلکه در سراسر جهان سرود ایستادگی در هر سنگر شده است. گری در سراسر فلات بر فراز زاگرس تا آرات. اینک فرات و دجله که میانرودان انسان در این سوی شرق بوده‌اند، نوای دیگری بر هر موج دارند.

آتشفشان، در سوریه سال 2010، درست ۸ سال پیش، «در چنین روزهایی غرید، فوران کرد، با «چکانه‌ی چند دانش آموز، در «درعا»، با شعارهایی بر دیوار شهر. پیام، بال گسترانید، کودکان دبستانی، کودکان سور، فشفشه های آتشفشان شدند و پیک های خیزش. «بهار عربی» نبود، انفجار آتشفشان دیرینه بود. سرکوب و کشتار در سوریه، در تراکم سالیان ستم، باروت خشم فروخته‌ی سالیان بردگی بود. مرداب انگل‌های حاکم، مدفن مارهای غنوده بر گنجینه‌های طلا و خون، در حال فرورودن موش‌های فربه در خویش. مرداب به اسد و همقطاران‌ش خوش آمد می‌گوید، قذافی چشم به راه مانده است و پدرخوانده با ردای عزرائیل در کنار خمینی و خلخالی در درگاه دوزخ به پیشواز ایستاده است، با هیچ احساسی. همانگونه که بر بال ایرفرانس، باهیچ! بی هیچ حس و عاطفه‌ای، او که به ویرانی آمده بود و کشتار بر قبرستان فرود آمد و خورشید را به زیر خاک برد، آمد تا خاوران را بگستراند. با تابستان ۶۷ و پیش تر، از همان روز، از ۵۷ تا کهریزک با خلف و ولای والی اش تا اکنون.

اینک، پایگاه تروریست‌ها و انتحاریون، فروپاشیده در روژآوا، در ترکیه نو عثمانیسم برپا شده و همقطاران در ایران و عراق و لبنان.

"روژناوا" را با درازایی افزون بر ۷۰۰ کیلومتر از "دیرک" تا «عفرین»، که نامی است جهانی، نمادی از همبستگی در محاصره و اشغال، در میانه، مرزهای سرمایه با حکومت های پیرامونی شب پای آن، پیوند و سمپاتیک، همانند روزی که کوبا، با «چه»، روزی که با نام سوسیالیسم و چه گوارا، و نه کوبای امروزین در نکبت لابه گوی حکومت اسلامی و پوتین آبرو می‌گرفت. کوبانی، برافراشته در کنار «دشت سوروچ»، با «گری سپی» (تل ابیض)، «عین عیسی»، «منبج» و «جرابلوس» از جمله شهرهای دیار کردستان غربی،

افزون بر ۵۰۰ هزار نفر، از نفرهای دگرگون شده برای خودگردانی در یک جهش، نبردی چندین ساله را به نمایش می‌گذارد.

در آن سو تر، «عفرین» افزون بر ۵۰۰ هزار نفر که با کوچ اجباری به این دیار و اینک در اشغال راهزنان و اردوغان با «عزاز»، «جبل سامان» و «ادلیب»، که شمار ساکنان آن اینک تا دو برابر افزایش یافته است از آوارگان جنگ نیابتی، در اشغال فاشیست‌ها و مزدوران اجیر شده راهزن و آدمکشان اجاره‌ای و اوباشان و محکومان جنایی پرتاب شده در گتوهای اروپا. «جزیره» با شهرها و روستاهایش از "دیرک حمکو"، و شهرک‌ها و شهرها، «تربه سپی»، «گرکی لکی»، «درباسیه»، «سریکانی»، «حسکه» امروزه دیگر بار زیر توپ و تروریسم

از دیوارهای مرزی ۱۸۰۰ کیلومتر دورادور کردستان حصار بسته، شبانه راهزنانه برخوردار از تانک‌ها و تونل‌های اردوغان و ارتش بزدلش که با یدک کشی نام ناتو، در برابر ارتش مردمی زنان و مردان، این فرزندان کارگران و زحمتکشان، لرزه بر اندام می‌گیرند.

دشمنان زندگی، سرزمین سوخته می‌خواهند اگر به کامشان نباشد تا سرکانی‌ها، این سرچشمه‌های زندگی را بخشکانند و بسوزانند و نام‌هایی که بازگوی آن‌اند که با تولید کل فرآورده‌های کشت و کار و کشاورزی با تمامی سوریه برابری دارند.

تمامی این نواحی در «روژآوا»، پاره ای از کردستان با افزون بر دو میلیون نفر، 20 درصد از جمعیت 21 میلیونی سوریه، دیاری که با «رمیلان» اش، میزان منابع نفت و گاز آن با اندوخته‌ی نفتی کرکوک برابری می‌کند و میزان منابع نفت «رمیلان» به تنهایی با کلیه منابع نفتی دیگر سوریه برابر می‌شود.

با طرح "کمر بند عربی"، به دست حکومت بعث، تلاش شد تا کردها را کوچران و عشیره های عرب وفادار به حکومت بعث سوریه و برخوردار از کشت و زمین و برخی به اجبار کوچ در برخی مناطق از جمله در بخش هایی از «جزیره» اسکان دهند. سیاست همه حکومت های استبدادی، صفویه و نادر افشار در ایران، با کوچ کردان به قوچان و حتی فارس، و عثمانی‌ها در ترکیه؛ رضا شاه و البکر و

صدام و... چنین بوده است. سه دیار از یک دیگر جدا سازی شده اما اینک، مجال این را یافته تا با هم در پیوندی برای خود گردانی با روی کردی شورایی یکپارچه و همبستگی یابند. برخلاف روند تا کنونی در پراکندگی، ساختار گرفته از قدرت ستمبران، از نیروی اتحاد و اراده پایینی‌ها، همسان با ریشه چمن‌ها و نه از بالا بر فراز سر، و پای بر شانه ستمبران، بلکه از ریشه، از آنان که پایمال دوران‌ها و مناسبات طبقاتی بوده‌اند. از همین روی در روزهای جنگ و هجوم ۲۰۱۴ «شوراهای» ساختگی، شکل گرفته از بالا، در شمار «شورای میهنی» ناسیونالیستی حکومتگران و «شورای میهنی» (اقلیمیان) به «درخواست یگان‌های دفاع از خلق» پاسخ در خور ندادند و در محاصره و زیر چنگال حکومت اسلامی تنهایشان گذاشتند در برابر تمساح‌های داعشی. در آن سوی نیز، طبقه تازه به قدرت رسیده و حکمران، در اقلیم در عراق، که سربه فرمانی می‌خواهد و نه «سربه خوبی» راستین شورایی، و یا به رسمیت شناسی «حق تعیین سرنوشت خویش به دست خویش» دولت‌ها در اقلیم کردستان روژ‌ه‌ه‌لات، مردمان زیر کشتار و محاصره حکومت ترکیه و داعشیان‌اش را تنها گذاشتند و نه تنها، بلکه در هماهنگی با اردوغان در عمل پشتوانه‌ی کشتارگران و اشغالگران شدند.

ارتش بورژوازی حاکم سوریه در سال 2011، که به رهنمود فرماندهان سپاه قدس و قاسم سلیمانی‌اش در ایران و نیز نوتزاریسیم روسیه، برای حفظ دمشق و شام، و حلب، کردستان سوریه را به ارتش ترکیه و سپاهیان اسلامی داعش واگذاشت، ایدئولوژی مذهبی سرمایه به پشتوانه دولت ترکیه و سرمایه جهانی به رهبری ایالات متحده آمریکا، سپاهیان اسلام را روانه ساخت. تا زیر سایه نو عثمانیسم، بحران ساختاری کمی کاهش یابد و منجی سرمایه سازد. این آزمون در ایران سال 1357 پاسخی سرمایه ساز گرفته بود. عربستان و آل سعود و قطر و امیران امارات، و صهیونیسم حاکم بر اسرائیل، بازار سلاح و سرمایه و ارتجاع و جنابت باید که در ایمن باشند.

بنا به این ضرورت، همانگونه که روزی طالبان در افغانستان و پیش از آن خمینی در ایران، ۴۷ گروه اسلامی، به شهرها و روستاهای گردنشین سوریه حمله‌ور شدند.

۱- داعش ۲- جبهه النصره ۳- تیپ احفاد الرسول ۴- تیپ النصیر ۵- گردان فتح الله ۶- تیپ لا اله الا الله  
 ۷- ابن تیمیه ۸- گردان علی بن ابی طالب ۹- گردان الجزیره ۱۰- گردان میرگرد ۱۱- شاخه امنیتی  
 رقه ۱۲- الشام ۱۳- گردان العادیات ۱۴- گردان محمدیه ۱۵- گردان الابرار ۱۶- گردان شداده ۱۷-  
 گردان احرار الخویران ۱۸- گردان جندالحرمین ۱۹- گردان شمال ۲۰- گردان جندالله ۲۱- جوانمردان  
 جربوی ۲۲- گردان احرار الطوافی ۲۳- گردان سرین ۲۴- گردان اهل السنه ۲۵- گردان مارعی ۲۶-  
 گردان عایشه ۲۷- گردان احرار الشام ۲۸- گردان احرار ابو راسن ۲۹- گردان احرار الحرب ۳۰- تیپ  
 انقلابیون رقه ۳۱- گردان اسامه بن زیاد ۳۲- گردان القارعه ۳۳- گردان الموحدین ۳۴- گردان طائفه  
 المنصوره ۳۵- گردان الله اکبر ۳۶- تیپ الضلال ۳۷- گردان المدینه المنوره ۳۸- فداییان انقلاب ۳۹-  
 گردان شهدای الظاهریه ۴۰- گردان شهید حسن الخلف ۴۱- واحدهای ابن القین ۴۲- گردان ملی ۴۳-  
 گردان شهید ابو لطیف ابو الخطاب ۴۴- مجلس نظامی رقه ۴۵- گردان احرار الشدادی ۴۶- گردان  
 انور الحق ۴۷- گردان احرار جبال عبدالعزیز».

این جماعت از رده ی خونخواران، از زیر زمین و «از دخمه های قرون و اعصار» بیرون نخزیده  
 بودند. اینان، همه گروه بندی های ایدئولوژیکی بودند که تنها چهره ی پیدایش و هجوم سپاهیان صدر  
 اسلام تا حجاج بن یوسف و همه امویان و عباسیان را به نمایش می گذاشتند. اینان، در حاکمیت سرمایه،  
 نماد فساد و جنایت سرمایه در هزاره سوم میلادی اند. اینان برگزیده و آموزش یافته در همان انجمن ها  
 و مساجد ساخته شده ای اسکان داده پیرامون کلان شهرهای سرمایه اند. یا در فقر و سرکوب مسخ شده  
 در بحران بی هویتی و تزریق قتلوی کتابشان بسیج شده، از لندن، پاریس، استرالیا، آلمان، سوئد، نروژ،  
 هلند، ایالات متحده، ترکیه، ایران، عراق، اردن و مصر و فلسطین، چین و ازبکستان و مسکو و لیبی  
 و مراکش و بیش از ۴۰ کشور به همانگونه که باند آدمکش، فریبکار و دیوسرشت خمینی از کنفرانس  
 سران ۵ حکومت به تدبیر نشسته در گوادولوپ به پیشنهاد رهبر بورژوازی فرانسه، ژیسکار دستن، بر  
 فراز خیزش سراسری نشانیده شد تا سرمایه و مناسباتش را پاسدار باشد؛ و سلف و منشا هرچه داعش،  
 تروریسم، و رعب و وحشت در جهان شود، تا داعش، حماس و هزار دسته ی ایدئولوژی اسلامی را با

بمب، ترکیبی مقدس سازند و تولید و بازتولیدگر باشند و صهیونیسم، نیمه‌ی دیگر خویش را در قامت فاشیسم مذهبی، در برادر - دین خویش همزاد باشد.

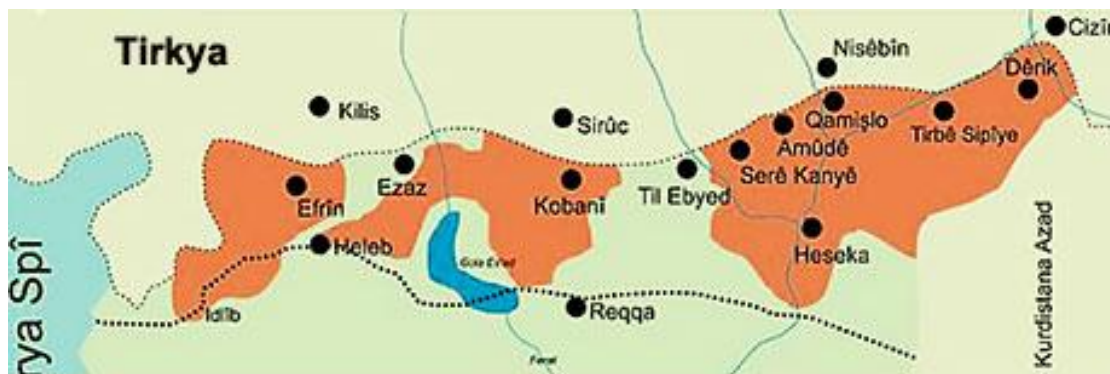
«روژئاوا» اینک دستکم از دو کانون استراتژیک سیاسی/ جغرافیایی و اقتصادی برای سرمایه جهانی، «غرب» و ایالات متحده آمریکا، حکومت ترکیه، از سویی و از سوی دیگر بلوک «ارواسیا» به رهبری مسکو به سر به فرمانی حکومت اسلامی ایران و سوریه اهمیت می‌یابد. ترکیه و حکومت‌های اسلامی ایران عراق و اقلیم، در برابر ستم ستیزانی که با سازمانیابی سرزمینی با گرایش شورایی و خودیار، خودگردان و خودپوی روی به کشف نیرو و سازمان‌های انقلابی خویش دارند، در هراس و بیمناک‌اند و آنتی تز خویش را در برابر می‌بینند.

### یگان‌های دفاع از خویش

یگان‌های رزمنده و مسلح، در بردارنده‌ی زنان و مردان کردستان و عرب و دیگر ملیت‌های این دیار در کردستان سوریه برای دفاع و بقای انسانی خویش با خودیاری داوطلبانه به سازمان‌یابی برخاستند. در نبود سازمان‌های انقلابی کارگران و کمونیسم انقلابی «حزب اتحاد دموکراتیک» و «شورای ملی کرد» با ساختار نیروها یگان‌های ویژه خلق - «ی.پ.گ»، و «ی.پ.ژ» به رهبری این نیروی به رهایی برآمدند.

در نیمه‌ی سال ۲۰۱۲ تا کنون زنان و مردمان کار و آفرینش، با چنگ و دندان، نان از زمین و کلاش بر شانه رزمی دلیرانه، برای دفاع از هستی و هویت و نام و عزت نفس خویش و هستی زمین یک تنه، تنها به پشتوانه اراده و دریافت تا کنونی از خود رهایی، به پشتوانه زنان و دختران به پا خاسته در یگان‌های ویژه خویش - یه‌کینه‌یانی پاراستینا ژن - (YekîneyêParastina Jen- YPJ) دوش به دوش یه‌کینه‌یانی پاراستینا گهل (Yekîneyên Parastina Gel- YPG) در برابر حکومت سرمایه داری اسلامی ترکیه نو عثمانی، و زیر تهدید حکومت اسلامی ایران و عراق، و در برابر ارتش اسد و سپاه قدس که برخوردار از پشتیبانی‌های جنایت بار مافیای روس بوده و نیز در برابر دسیسه‌های و هماهنگی‌های حکومت‌های آمریکا، سرمایه‌داران اروپا و چین ایستادند. نیروهای مردمی، از آن زمان

تاکنون توانستند بخش‌های گسترده‌ای از آن دیار را به خودگردانی درآورند. در نبود سازمان انقلابی کارگران، نبود حزب کمونیست و انترناسیونالیسم کارگری، اما با برخورداری از حضور و پشتیبانی‌ها و جانبازی‌های کمونیست‌های انترناسیونالیست در ایستادگی تا اکنون.



### نقشه کردستان سوریه

#### پروژه سرکوب به رهبری ترکیه

از نوامبر 2012 که پروژه سرکوب و اشغال «روژئاوا» از سوی ترکیه به رهبری گروه‌های اسلامی در دستور کار نهاده شد و روز ۱۶ جولای با یورش داعش به «روژئاوا» این پروژه، میدانی گردید نزدیک به ۶ سال می‌گذرد. هدف نخست ترکیه در آن زمان، محاصر جزیره بود. باید «سریکانی» از دست مردم خارج شود و «حسکه» و «دیرک» اشغال کرده تا جزیره و همزمان کوبانی به محاصره درآیند.

«سریکانی» (سرچشمه)، پیوند کلیدی اقلیم «جزیره» و «کوبانی» است که شهر «گره سپی» را در میانه دارند. نقشه‌ی خونبار با سازمانیابی و مقاومت یگان‌های ویژه زنان و مردان، کارگران و زندگی‌آفرینان ایستادگی کرد، سریکانی سرفراز ماند. ماه جولای بار دیگر، گروه بندی‌های اسلامی سرمایه، مزدوران، به «گره سپی» و «تل کوچر» یورش آوردند تا کوبانی را به محاصره گیرند. دشمنان مردم، با یورش به «سرکوچر»، «رمیلان» را نشانه گرفته بودند. «گری سپی» در شرق «کوبانی»، و کرانه فرات در غرب، آب و برق منطقه را نیز برآورده می‌سازد، کلیدی بودند برای دولت اسلامی مورد نظر سرمایه. دولت آمریکا به دولت ترکیه وظیفه داده بود تا سرچماقدار این یورش



باشد. بایستی اسلامی به سان اسلام حاکم در ترکیه سراسر خاور میانه و بخش های مسلمان نشین آسیا و شمال آفریقا، حاکم می شد، از عراق تا سوریه و مصر و فلسطین و حتا نیجریه.

جبهه النصر، وظیفه یافته بود تا مقاومت را سرکوب و منطقه را برای نو عثمانیسم اسلامی ترکیه و سرمایه داری جهانی، ایمن بدارد؛ تا روژئاوا، کانونی برای آزمون های شورایی و خودگردانی نباشد؛ تا دختران و زنان پرشور و آزاده، جوانان و آزدیخواهان برآمده و روی آورده از دیاران دیگر به این سوی، در منطقه ای مسموم در سم اشباع اسلامی و ارتجاع، دانشکده های انقلاب را در جبهه های رزم و کار خودگردانی، فارغ از هر مرز و چارچوب اندیشه و مرام، به تجربه نگذارند.

جبهه النصره اینک نیروی مزدوری زیر فرمان ارتش ترکیه باقی مانده تا این حرامیان، خواهران همزاد در این اقلیم از «عفرین» تا «کوبانی» و «جزیره» را با ۶۰ تا ۷۰ کیلومتر راه بین یکدیگر و اما دل هایشان هم تپش را به محاصره گیرند.

گروه های اسلامی، پیش از داعش به پشتیبانی ترکیه، نقشی یک دولت اسلامی را که از دیرالزور تا مناطق شمالی "روژئاوا" را در بر می گرفت آشکار ساخته بودند، و در آرزوهای پلیدشان بود که کوبانی پایتخت این دولت اسلامی اعلام شود. خیزش در کردستان سوریه در ۱۹ جولای ۲۰۱۲ از شهر کوبانی برخاسته بود.

«در نشستی که در تاریخ ۱۵ تا ۱۷ جولای ۲۰۱۲ در شهر استانبول برگزار شد، پیش بینی شده بود تا «جشن رمضان» به عنوان روز اعلام این دولت اسلامی تعیین شود، اما با تحمل شکست در سریکانی، اجرای این طرح به ۱۵ و ۱۶ آگوست موکول شد.» (iii)

بر همین پایه، پس از نشست استانبول در تاریخ ۲۶ جولای ۲۰۱۲، نشست دیگری در شهر «انتپ» ترکیه، به پشتوانه دولت اسلامی ترکیه، نقشه قتل عام کردها پیشنهاد شد. عاملین اجرای طرح ضد انسانی حکومت ترکیه است. "احمد عاصی الجبرا" رهبر «ائتلاف ملی سوریه» از این عشیره بود. عشیره ی «شمر» از سال ۱۹۴۵ با شکل گیری سوریه، تا کنون همواره با حکومتگران بوده است.

"سلام الموسلین" جانشین «الجبرا» در گفتگو با شبکه تلویزیونی الجزیره (به یارانه قطر) گفته بود تا

آن هنگامی که کودکانمان بمانند، نخواهیم گذاشت کردها صاحب هیچ حقوقی باشند.» (iv)

شاخه‌ای از اخوان المسلمین سوریه که زیر نام "لیوای توحید" شناخته شده و پایگاهی امن از سوی دولت ترکیه، همسان با القاعده، نیروی اصلی این کشتار تجهیز شد. حکومت ترکیه، راهکار برپایی جنگ میان عرب-کرد را به نیروهای اسلامی رهنمود می‌دهد. تجهیز داعش با تانک و خرید نفت سرقتی در بازار به شیوه «مال خران»، سرمایه‌داران در ترکیه، اسلام داعشی را آنگونه که سرمایه جهانی می‌خواهد، تسلیح و تجهیز می‌کند.

در «گری سپی» و «جزیره» از جمله نیروهایی از عشیره عرب "شمّر" که در گستره‌ای خطی از کردستان سوریه تا عراق انتقال یافته اند، عاملین اجرای طرح ضد انسانی حکومت ترکیه است. "احمد عاصی الجبرا" رهبر «ائتلاف ملی سوریه» از این عشیره است. و چه نیکو که می‌توان از همراهی و همراستایی برخی عشیره‌های عرب با مبارزان "یگان‌های مدافع خلق" در نبرد علیه جبهه النصره در «گرکی» و «جربلوس» یاد کرد.

ارتش سرکوبگر و جنایتکار سرمایه‌داران در ترکیه، با تانک‌ها نشسته در کمین. به بهانه ایجاد منطقه امنیتی برای حفاظت مرز و نیز پناهجویان کرد و سوری، در حالیکه پناهجویان را در آنسوی سیم خاردار و هر دستی برای یاری، با گلوله و گاز اشک آور پاسخ می‌گویند.

داعش و دولت اسلامی با «ام آی 6» بر سینه‌های ایزدیان و دیگر مردم سنگال و پیشمرگه‌ها و کوبانیان رگبار بستند و گاز سمی پرتاب کردند و با کاردهای سلاخی سر بریدند. در این سوی، در هر سنگر با سلاح‌های سبک و کهنه، در سنگر بزرگ سراسری به گستره ی روزآوا در برابر ایدئولوژی اسارت‌بار سرمایه با تمامی گروه بندی هایش، و اردوغان و پان ترکیسم، ایستادند و ایستاده‌اند.

در نشست نوامبر ۲۰۱۳ در شهر قامشلی، پروژه دولت گذار از سوی «حزب اتحاد دموکراتیک» (شرق سوریه)، پیش روی نهاده شد. این اتحاد تا اکنون با جانبازی و ایستادگی گام‌های آغازین شورایی‌گرایی را در «مجلس» ها بر می‌دارند. اگر شوراها به خودآگاهی طبقاتی و سوسیالیسم و

سامان یابی انقلابی بر نیابند، اگر سازمان و حزب کمونیست انقلابی به رهبری نباشد، دولت گذار، که دولتی غیرنظامی را نوید می‌دهد در این منطقه با هزینه جویبارهای خون، به قدرت می‌نشیند. بنا به طرح، «حزب اتحاد دموکراتیک» (سوریه) کردستان سوریه به سه منطقه تقسیم می‌شد که هر یک از این مناطق خود یک شورای محلی ویژه و نمایندگانی در شورای شوراها را خواهند داشت. آماده سازی انتخابات شوراها اگر به موضوع مناسبات طبقاتی و عنصر استثمار و رفع آن ره نپوید و روی به محلی گرایی و فراهم سازی پیش زمینه‌ها برای فدرالیسم و دولت آینده بپوید، حکومت شوندگان همچنان زیر فرمان می‌مانند و طبقات در جایگاه های خویش در تولید و توزیع طبقاتی، مانند اقلیم در عراق می‌شوند

روژئاوا، بخشی از زمین و زیست جهانی ماست، همانگونه سرزمین دیگر این جهان اسیر و در اشغال سرمایه.

آنگونه که برای آدونیس های سوریه سرودیم، «جویندگان زندگی، پیکارتان پیروز، بر دستهایتان بوسه و شراب، پروازتان بر فراز.» [[vi]]

آبانماه ۱۳۹۷/نوامبر ۲۰۱۸

---

[i] آدونیس های زمینی، چکامه سرایان سوریه - <http://www.azadi->

[b.com/arshiw/?p=30203](http://www.b.com/arshiw/?p=30203) نوشته عباس منصوران، ۲۴ دسامبر ۲۰۱۱.

[ii] جزیره در واقع منطقه ای در شمال سوریه که تا ترکیه گسترده است.

[iii] آدونیس های زمینی، چکامه سرایان سوریه - <http://www.azadi->

[b.com/arshiw/?p=30203](http://www.b.com/arshiw/?p=30203)

نوشتاری از عباس منصوران 24 دسامبر ۲۰۱۱

4)] [http://www.nnsroj.com/fa/detiles.aspx?id=5510&ID\\_map=19](http://www.nnsroj.com/fa/detiles.aspx?id=5510&ID_map=19)

سایت خبری تحلیل روز - NNS ROJ نوشتار روژناوا " چیست و در این بخش از کردستان چه روی

می دهد؟ به روز شده در 2013/9/8 | شنبه ۱۹ مرداد ۱۳۹۲ / ۲:۳۱